

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

A Comparative Analysis of the Principle of 'Necessities Permit Prohibitions' in Addressing Global Health Crises

Maryam Fattahi¹, Ahmad Reza Jafari*²

1. Department of International Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

2. Department of Comparative Fiqh, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

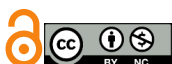
* Corresponding Author's Email: Arezajafari1976@gmail.com

ABSTRACT

The principle of "al-Darurat Tubih al-Mahdhurat" is a key tenet of Islamic jurisprudence that has gained significant importance in the context of global health crises. This rule, especially in emergency situations where the preservation of human life and public welfare is paramount, allows jurists and policymakers to justify actions that would typically be prohibited in order to protect public health. This article explores the concept and jurisprudential foundations of the rule, analyzing its application in global health crises. In particular, during pandemics and other global health emergencies, this rule has served as an important tool for making health and social policy decisions. A comparative analysis of its application across different Islamic schools of thought is also undertaken, highlighting the differences in interpretation and implementation of this rule in health crises. The study further examines the limitations and challenges of applying this rule within Islamic and secular legal systems and offers recommendations for its improved future use. The findings indicate that this principle, as a flexible and comprehensive tool in managing global health crises, not only helps mitigate human suffering but also serves as a potential model for the interaction between Islamic law and international legal systems in the context of global emergencies.

Keywords: *Al-Darurat Tubih al-Mahdhurat, Islamic Jurisprudence, Health Crisis, Application in Emergencies, Islamic Sects, International Law, Public Welfare.*

How to cite: Fattahi, M., & Jafari, A. R. (2024). A Comparative Analysis of the Principle of 'Necessities Permit Prohibitions' in Addressing Global Health Crises. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(2), 71-82.



تاریخ ارسال: ۴ اردیبهشت ۱۴۰۳
 تاریخ بازنگری: ۱۳ خرداد ۱۴۰۳
 تاریخ پذیرش: ۲۷ خرداد ۱۴۰۳
 تاریخ چاپ: ۲۵ تیر ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تحلیل تطبیقی قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" در مواجهه با بحران‌های بهداشتی جهانی

مریم فتاحی^۱، احمد رضا جعفری^{۲*}

۱. گروه حقوق بین‌الملل، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
 ۲. گروه فقه مقارن، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
 * پست الکترونیک نویسنده مسئول: Arezajafari1976@gmail.com

چکیده

قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" یکی از اصول کلیدی فقه اسلامی است که در مواجهه با بحران‌های بهداشتی جهانی اهمیت بسیاری پیدا کرده است. این قاعده به‌ویژه در شرایط اضطراری که حفظ جان انسان‌ها و مصلحت عمومی در اولویت قرار دارد، به فقها و سیاست‌گذاران این امکان را می‌دهد که اقداماتی را که در شرایط عادی محظور هستند، در راستای حفظ سلامت عمومی توجیه کنند. در این مقاله، ابتدا به بررسی مفهوم و مبانی فقهی قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" پرداخته شده و سپس کاربرد آن در بحران‌های بهداشتی جهانی مورد تحلیل قرار گرفته است. در این راستا، به‌ویژه در دوران بحران‌هایی مانند پاندمی‌های جهانی، این قاعده ابزار مهمی برای اتخاذ تصمیمات بهداشتی و اجتماعی بوده است. همچنین، مقایسه تطبیقی میان مذاهب مختلف اسلامی و بررسی تفاوت‌های تفسیری در کاربرد این قاعده در بحران‌های بهداشتی انجام شده است. این تحقیق همچنین محدودیت‌ها و چالش‌های احتمالی استفاده از این قاعده در نظام‌های حقوقی اسلامی و سکولار را بررسی کرده و پیشنهادهایی برای استفاده بهتر از این قاعده در آینده ارائه داده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که قاعده مذکور به‌عنوان یک ابزار انعطاف‌پذیر و جامع در مدیریت بحران‌های بهداشتی جهانی، نه تنها به کاهش آسیب‌های انسانی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان یک مدل برای تعامل میان شریعت اسلامی و قوانین بین‌المللی در شرایط بحران‌های جهانی مطرح باشد.

کلیدواژگان: قاعده "العقد شریعه المتعاقدين"، آزادی قراردادی، حقوق بین‌الملل، فقه اسلامی، قراردادهای بین‌المللی، حقوق تطبیقی

نحوه استناددهی: فتاحی، مریم، و جعفری، احمد رضا. (۱۴۰۳). تحلیل تطبیقی قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" در مواجهه با بحران‌های بهداشتی جهانی. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۲)، ۷۱-۸۲.



می‌تواند به ارائه راه‌حل‌های مناسب در سطوح ملی و بین‌المللی کمک کند. این مقاله در تلاش است تا به سوالاتی اساسی پاسخ دهد: قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" چگونه می‌تواند در بحران‌های بهداشتی به کار گرفته شود؟ آیا این قاعده در همه مذاهب اسلامی به صورت یکسان تفسیر می‌شود؟ و در نهایت، چه راهکارهایی برای تطبیق این قاعده با نیازهای معاصر وجود دارد؟ از طریق تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های مختلف فقهی و بررسی موارد عملی، تلاش خواهد شد تا چارچوبی جامع و کاربردی برای استفاده از این قاعده در شرایط بحران ارائه گردد.

یکی از جنبه‌های کلیدی این مطالعه، تمرکز بر کاربرد این قاعده در مذاهب مختلف اسلامی، از جمله شیعه و اهل سنت، است. هرچند اصول اساسی این قاعده در میان این مذاهب مشترک است، اما تفاوت‌های تفسیری و اجرایی قابل توجهی وجود دارد که می‌تواند در مواجهه با بحران‌های جهانی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کنند. به عنوان مثال، رویکرد فقهای اهل سنت نسبت به مفهوم ضرورت و محدودیت‌های ناشی از آن ممکن است با دیدگاه فقهای شیعه در جزئیات متفاوت باشد. این تفاوت‌ها می‌تواند در تدوین سیاست‌های بهداشتی و اجتماعی در جوامع اسلامی نقش مهمی داشته باشند.

در کنار این مسائل، این مقاله به مطالعه تطبیقی میان فقه اسلامی و نظام‌های حقوقی بین‌المللی نیز می‌پردازد. در نظام‌های حقوقی سکولار، اصول مشابهی با قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" وجود دارند که به صورت موقت قوانین را در شرایط اضطراری تعدیل می‌کنند. مقایسه این اصول با قاعده مورد بحث، می‌تواند به درک عمیق‌تر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان نظام‌های حقوقی اسلامی و بین‌المللی کمک کند و راه‌حل‌های مشترکی را برای مواجهه با بحران‌های بهداشتی ارائه دهد.

این مقاله به دنبال آن است که از طریق تحلیل نظری و بررسی موارد عملی، نقش قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" را در مدیریت

قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" یکی از اصول اساسی در فقه اسلامی است که به صورت ویژه در شرایط بحرانی و استثنایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این قاعده بیان می‌کند که در شرایط ضرورت، احکام ممنوعه به صورت موقت قابل اجرا هستند تا از ضرر یا خطری بزرگ‌تر جلوگیری شود. این اصل، که ریشه در قرآن، سنت و اجماع فقها دارد، نمایانگر انعطاف‌پذیری و عدالت در نظام فقهی اسلام است. از دیدگاه نظری، این قاعده نه تنها به نیازهای فردی بلکه به مصلحت عمومی نیز پاسخ می‌دهد و به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برای تطبیق قوانین با واقعیت‌های اجتماعی و انسانی شناخته می‌شود. آیه «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» (سوره بقره: ۱۷۳) از نمونه‌های بارز قرآنی است که مبنای این قاعده را روشن می‌سازد.

در دوران معاصر، با افزایش وقوع بحران‌های بهداشتی جهانی همچون پاندمی‌ها، استفاده از این قاعده برای حل مسائل جدید و پیچیده ضروری به نظر می‌رسد. بحران‌هایی مانند همه‌گیری کووید-۱۹ چالش‌های بسیاری را در سطوح ملی و بین‌المللی ایجاد کرده‌اند که مدیریت آن‌ها نیازمند تعادل میان قوانین سنتی و مقتضیات جدید است. در چنین شرایطی، این قاعده می‌تواند به عنوان راهکاری مناسب برای تصمیم‌گیری‌های سخت مطرح شود. برای مثال، در زمان همه‌گیری، موضوعاتی همچون الزام به رعایت محدودیت‌های بهداشتی، تعطیلی مساجد، یا حتی استفاده از واکسن‌هایی که ممکن است در شرایط عادی مشمول بحث‌های فقهی قرار گیرند، از مواردی هستند که قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" می‌تواند نقش مهمی در حل آن‌ها ایفا کند.

هدف اصلی این مقاله تحلیل تطبیقی این قاعده در مواجهه با بحران‌های بهداشتی جهانی است. از آنجایی که بحران‌های بهداشتی معاصر، به ویژه در جوامع اسلامی، چالش‌های گسترده‌ای را در حوزه فقه و حقوق ایجاد کرده‌اند، بررسی دقیق این قاعده

بحران‌های بهداشتی روشن کند. علاوه بر این، هدف دیگر مقاله، ارائه پیشنهاداتی برای استفاده بهتر و دقیق‌تر از این قاعده در آینده است. این پیشنهادات می‌توانند برای سیاست‌گذاران، فقها، و جامعه علمی راهگشا باشند. در نهایت، این مقاله تلاش می‌کند تا نشان دهد که چگونه اصول اسلامی می‌توانند با نیازهای جهان معاصر در حوزه‌های بهداشت و حقوق تلفیق شوند و به ارائه راه‌حل‌های عادلانه و عملی برای چالش‌های جهانی کمک کنند.

پیشینه پژوهش

قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" به‌عنوان یکی از اصول بنیادین فقه اسلامی، در طول تاریخ موضوع مطالعه بسیاری از دانشمندان و فقها بوده است. این قاعده که ریشه در منابع اصلی اسلام از جمله قرآن و سنت دارد، در متون کلاسیک فقهی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. در آثار فقهایی چون ابن قدامه (۲۰۰۴)، امام غزالی (۱۹۹۷) و ابن تیمیه، این قاعده به‌عنوان ابزاری برای پاسخگویی به شرایط استثنایی معرفی شده است که انعطاف‌پذیری نظام فقهی را به نمایش می‌گذارد. آیه‌های قرآن نظیر «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» (بقره: ۱۷۳) و «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج: ۷۸) به‌عنوان پایه‌های نظری این قاعده در ادبیات فقهی مورد استناد قرار گرفته‌اند (Qaradawi, 1995). در کنار این، احادیثی که شرایط خاص را استثنایی می‌دانند نیز به‌عنوان شواهد معتبر مطرح شده‌اند.

یکی از مهم‌ترین مطالعاتی که به تحلیل این قاعده پرداخته، اثر وسیع و جامع وهبه الزحیلی در کتاب "الفقه الإسلامی و أدلته" است. الزحیلی در این اثر تأکید می‌کند که قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" نه تنها در موارد فردی بلکه در تصمیم‌گیری‌های جمعی و حکومتی نیز کاربرد دارد (Al-Zuhayli, 2006). او توضیح می‌دهد که این قاعده با اصول دیگری همچون "المشقة تجلب التیسیر" و "الضرر یزال" هم‌پوشانی دارد و از این رو، در

تطبيق قوانین اسلامی با شرایط بحرانی، انعطاف‌پذیری قابل توجهی ارائه می‌دهد.

در حوزه بحران‌های بهداشتی، مطالعات مرتبط با همه‌گیری‌ها و بیماری‌های جهانی نشان داده‌اند که این قاعده می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب مفید برای تدوین سیاست‌های بهداشتی عمل کند. به‌عنوان مثال، در دوران پاندمی کووید-۱۹، برخی از محققان مانند کامالی (۲۰۰۳) به بررسی نقش این قاعده در توجیه الزام به واکسیناسیون، تعطیلی اجتماعات مذهبی، و اعمال محدودیت‌های اجتماعی پرداختند. در این مطالعه، تأکید شده است که قاعده مذکور می‌تواند در شرایطی که سلامت عمومی در خطر است، ممنوعیت‌های معمول را موقتاً کنار بگذارد تا از آسیب‌های بزرگ‌تر جلوگیری شود.

از نظر تاریخی، این قاعده در دوره‌های مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال، در دوره‌های شیوع بیماری‌هایی همچون طاعون و وبا در قرون میانه، فقها و حکام اسلامی از این قاعده برای تنظیم سیاست‌های بهداشتی استفاده کردند. گزارش‌هایی از دوره عثمانی نشان می‌دهد که این قاعده برای اعمال محدودیت‌های بهداشتی در مساجد و اماکن عمومی به‌کار گرفته شد (Weiss, 2002). همچنین در دوران معاصر، در برخی کشورهای اسلامی مانند ایران و عربستان سعودی، تصمیم‌گیری‌های مربوط به قرنطینه و تعطیلی اماکن مذهبی بر اساس همین قاعده انجام شده است.

تحقیقات معاصر در حوزه حقوق بین‌الملل نیز نشان می‌دهند که اصول مشابهی در نظام‌های حقوقی سکولار وجود دارد که قابل مقایسه با قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" است. به‌عنوان مثال، در نظام حقوقی انگلستان، اصل "necessity" به‌عنوان یک ابزار قانونی برای توجیه اقدامات اضطراری شناخته می‌شود. این اصل شباهت‌های مفهومی زیادی با قاعده اسلامی دارد و نشان‌دهنده نزدیکی مفاهیم حقوقی در فرهنگ‌های مختلف است

قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" یکی از اصول بنیادین و پرکاربرد در نظام فقه اسلامی است که ریشه در منابع اصلی اسلام از جمله قرآن، سنت، و اجماع فقها دارد. این قاعده به طور مشخص به این نکته اشاره دارد که در شرایط اضطرار یا ضرورت، اعمالی که در شرایط عادی ممنوع هستند، می‌توانند مشروع شوند. تعریف این قاعده در متون فقهی کلاسیک و معاصر به عنوان یکی از اصول انعطاف‌پذیری شریعت اسلامی شناخته می‌شود. آیه «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» (بقره: ۱۷۳) به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع این قاعده شناخته شده است و نشان‌دهنده تاکید اسلام بر رفع حرج و مشقت در شرایط خاص است (Qaradawi, 1995). همچنین احادیثی مانند «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است، مبنای دیگری برای این قاعده فراهم می‌کند (Hallaq, 2009).

در بررسی مفاهیم مرتبط با این قاعده، درک دقیق اصطلاح "ضرورت" حائز اهمیت است. ضرورت در ادبیات فقهی به وضعیتی گفته می‌شود که ادامه حیات یا سلامت فرد یا جامعه به خطر بیفتد. ابن قدامه (۲۰۰۴) در کتاب "المغنی" بیان می‌کند که ضرورت وضعیتی است که در آن دفع ضرر بزرگ‌تر یا حفظ جان انسان بر اجرای احکام اولیه اولویت پیدا می‌کند. الزحلی (۲۰۰۶) نیز در کتاب خود توضیح می‌دهد که ضرورت نه تنها شامل خطرات جسمانی بلکه شامل تهدیدات مالی، اجتماعی و حتی معنوی نیز می‌شود. در همین راستا، فقهای اسلامی شرایطی را برای تشخیص ضرورت تعریف کرده‌اند که شامل شدت خطر، عدم وجود راه‌حل جایگزین، و موقتی بودن است.

مفهوم "محذور" به اعمال یا اموری اشاره دارد که در شرایط عادی بر اساس شریعت ممنوع شده‌اند. این ممنوعیت‌ها ممکن است به دلایل مختلفی از جمله حفظ نظم عمومی، جلوگیری از ضرر یا حمایت از ارزش‌های اخلاقی و دینی اعمال شوند. در قاعده "الضرورات تبیح المحظورات"، محظورات می‌توانند شامل

(Hallaq, 2009). این شباهت‌ها می‌توانند بستری برای گفتگوی بین‌فرهنگی و بین‌المللی فراهم کنند و در مدیریت بحران‌های جهانی مؤثر باشند.

در بررسی حقوقی این قاعده، دیدگاه‌های مختلف مذاهب اسلامی، از جمله شیعه و اهل سنت، تفاوت‌هایی را در تفاسیر ارائه داده‌اند. برای مثال، فقهای شیعه بر ضرورت حفظ تعادل میان حقوق فردی و مصالح جمعی تاکید دارند و برخی از موارد استثنا را محدودتر می‌دانند (Ibn Qudamah, 2004). از سوی دیگر، در فقه اهل سنت، تاکید بیشتری بر کاربرد گسترده این قاعده در شرایط بحرانی وجود دارد. این تفاوت‌ها می‌توانند در نحوه اجرای این قاعده در جوامع اسلامی تأثیرگذار باشند و نشان‌دهنده اهمیت تحلیل تطبیقی میان مذاهب مختلف هستند.

از نظر فقهی، تحلیل قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" در بستر بحران‌های بهداشتی نشان می‌دهد که این قاعده علاوه بر مبانی نظری، کاربرد عملی قابل توجهی نیز دارد. در متون فقهی کلاسیک، شرایطی که به عنوان "ضرورت" تعریف می‌شوند، معمولاً شامل تهدیدات جانی، مالی یا اجتماعی است. با این حال، در شرایط معاصر، مفاهیم ضرورت و محذور گسترش یافته‌اند و شامل مسائل جدیدی همچون استفاده از فناوری‌های پزشکی پیشرفته و سیاست‌های عمومی مرتبط با سلامت شده‌اند (Rahman, 1982).

به طور کلی، مرور پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" به دلیل انعطاف‌پذیری و جامعیت آن، یکی از ابزارهای کلیدی برای مواجهه با بحران‌های جهانی، به ویژه در حوزه بهداشت، است. در این راستا، مطالعات بیشتر در زمینه کاربرد این قاعده در شرایط معاصر می‌تواند به ارائه راهکارهای عملی و تدوین سیاست‌های مؤثر کمک کند.

مبانی نظری

در سطح حقوقی، قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" انعطاف‌پذیری خاصی را در مواجهه با چالش‌های نوظهور نشان می‌دهد. این قاعده در شرایطی مانند بحران‌های بهداشتی، جنگ، یا حوادث طبیعی می‌تواند چارچوبی برای تطبیق قوانین با نیازهای عملی فراهم کند. برای مثال، در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، بسیاری از کشورها مجبور شدند محدودیت‌های اجتماعی گسترده‌ای اعمال کنند که ممکن بود در شرایط عادی با اعتراضاتی از سوی مردم یا فقها مواجه شود. اما استناد به این قاعده به سیاست‌گذاران اجازه داد تا تصمیماتی بگیرند که منافع عمومی را حفظ کند (Rahman, 1982).

تحلیل قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" در متون فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که این اصل نه تنها به‌عنوان یک قاعده فقهی بلکه به‌عنوان یک رویکرد جامع برای مدیریت شرایط استثنایی قابل استفاده است. انعطاف‌پذیری این قاعده به نظام اسلامی اجازه می‌دهد تا در مواجهه با بحران‌ها و شرایط نوظهور، پاسخ‌های مناسب و متناسب ارائه دهد. این ویژگی‌ها، قاعده مذکور را به یکی از اصول اساسی و کاربردی فقه اسلامی تبدیل کرده است که توانایی تعامل با واقعیت‌های پیچیده و متغیر معاصر را دارد.

تحلیل تطبیقی

قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" یکی از اصول کلیدی در فقه اسلامی است که در مذاهب مختلف اسلامی به شکلی گسترده مورد بررسی و استفاده قرار گرفته است. با وجود اشتراکات اساسی، تفاوت‌های تفسیری میان مذاهب اسلامی، به‌ویژه میان شیعه و اهل سنت، در نحوه به‌کارگیری این قاعده وجود دارد. در فقه اهل سنت، تأکید بیشتری بر تسهیل و رفع موانع در شرایط اضطراری شده است. بر اساس نظر ابن تیمیه و ابن قدامه، این قاعده می‌تواند حتی در موارد شک و شبهه نیز اجرا شود، به‌ویژه زمانی که منافع عمومی در خطر است (Ibn Qudamah, 2004). این انعطاف‌پذیری سبب شده است که فقهای اهل سنت

موضوعاتی مانند خوردن غذاهای حرام در شرایط قحطی یا استفاده از داروهایی باشند که در شرایط عادی به دلایل شرعی مجاز نیستند. امام غزالی (۱۹۹۷) در کتاب "المستصفی" توضیح می‌دهد که مفهوم محظور نه تنها شامل اعمال آشکارا ممنوع بلکه شامل مواردی است که در شرایط خاص ممکن است پیامدهای منفی ایجاد کنند.

یکی دیگر از مفاهیم کلیدی مرتبط با این قاعده، "تعارض مصالح" است. در نظام فقه اسلامی، اصولی همچون "تقديم مصلحت عمومی بر مصلحت فردی" و "دفع افسد به فاسد" نقش مهمی در تشخیص و اجرای قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" ایفا می‌کنند. در مواردی که دو مصلحت یا دو ضرر با یکدیگر تعارض دارند، فقها تلاش می‌کنند تا از میان آن‌ها، انتخابی انجام دهند که منافع بزرگ‌تر را حفظ کند یا ضرر کمتری را ایجاد کند. کامالی (۲۰۰۳) در بررسی اصول فقهی توضیح می‌دهد که قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" نمونه‌ای روشن از این تعارض و تلاش برای حل آن است. به عنوان مثال، در دوران بحران‌های بهداشتی مانند پاندمی‌ها، ممکن است تعارض بین حفظ سلامت عمومی و اجرای عبادات جمعی به وجود آید. در چنین شرایطی، بر اساس این قاعده، تعطیلی موقت عبادات جمعی می‌تواند مجاز باشد، زیرا حفظ جان افراد به‌عنوان اولویت اصلی شناخته می‌شود. در متون فقهی، تفاوت‌های تفسیری میان مذاهب مختلف اسلامی در ارتباط با این قاعده وجود دارد. فقهای شیعه بر این باورند که اعمال محظور تنها در صورتی مجاز می‌شود که ضرورتی قطعی و مسلم وجود داشته باشد و اقدامات انجام‌شده به حداقل ممکن محدود شوند. در مقابل، برخی از فقهای اهل سنت دیدگاه گسترده‌تری دارند و معتقدند که در موارد شک و شبهه نیز می‌توان به این قاعده استناد کرد (Nyazee, 2000). این اختلافات تفسیری می‌توانند در موارد خاص، از جمله تصمیم‌گیری‌های بهداشتی و اجتماعی، نتایج متفاوتی به دنبال داشته باشند.

حفظ جان انسان‌ها اولویت اصلی محسوب می‌شد (Weiss, 2002). در دوران معاصر نیز، در زمان پاندمی کووید-۱۹، کشورهای اسلامی از این قاعده برای توجیه اقداماتی همچون تعطیلی نمازهای جمعه، الزام به واکسیناسیون، و اعمال محدودیت‌های اجتماعی استفاده کردند. برای مثال، در ایران و عربستان سعودی، این قاعده به‌عنوان مبنای شرعی برای اقدامات پیشگیرانه مورد استناد قرار گرفت (Rahman, 1982).

مقایسه تطبیقی میان نظام‌های اسلامی و سکولار همچنین نشان می‌دهد که قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" در اسلام به دلیل ریشه‌های عمیق اخلاقی و دینی، از یک چارچوب معنوی برخوردار است که در نظام‌های سکولار کمتر به چشم می‌خورد. برای مثال، در حقوق بین‌الملل، تصمیمات مبتنی بر اصول ضرورت اغلب صرفاً بر اساس منافع عملی و سیاست‌های عمومی اتخاذ می‌شوند. در مقابل، در فقه اسلامی، تصمیم‌گیری‌ها بر اساس حفظ مقاصد شریعت و با در نظر گرفتن ابعاد اخلاقی، معنوی و اجتماعی انجام می‌شود (Al-Zuhayli, 2006). این تفاوت‌ها نشان‌دهنده رویکرد جامع‌تر فقه اسلامی در مواجهه با شرایط بحرانی است.

یکی از مثال‌های معاصر که در آن قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" به کار گرفته شده، استفاده از واکسن‌هایی است که در فرآیند تولید آن‌ها از مواد حرام استفاده شده است. در دوران پاندمی کووید-۱۹، برخی واکسن‌ها به دلیل استفاده از اجزای ژلاتین خوک با چالش‌های شرعی مواجه شدند. با این حال، بسیاری از فقها با استناد به این قاعده، استفاده از این واکسن‌ها را مجاز دانستند، به شرط آن‌که هیچ جایگزین مناسبی وجود نداشته باشد و سلامت عمومی در خطر باشد (Qaradawi, 1995). این تصمیمات نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری فقه اسلامی در مواجهه با چالش‌های نوظهور است.

در مجموع، تحلیل تطبیقی قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" نشان می‌دهد که این اصل نه تنها در نظام فقهی اسلامی بلکه در

از این قاعده در شرایط گسترده‌تری استفاده کنند. در مقابل، فقهای شیعه معمولاً تأکید بیشتری بر ضرورت قطعی و مسلم دارند و شرط می‌کنند که اقدام انجام‌شده برای رفع ضرورت، محدود به کمترین میزان ممکن باشد (Al-Zuhayli, 2006). به‌عنوان مثال، در شرایطی که یک داروی خاص از مواد حرام تهیه شده است، فقهای شیعه تنها در صورتی مصرف آن را مجاز می‌دانند که جایگزین حلالی وجود نداشته باشد و خطر قابل توجهی سلامت بیمار را تهدید کند.

در زمینه مقایسه میان نظام‌های حقوقی اسلامی و قوانین بین‌المللی یا سکولار، شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل توجهی دیده می‌شود. در قوانین سکولار، اصل "ضرورت" یا "Necessity" به‌عنوان یک ابزار قانونی برای توجیه اقداماتی که در شرایط عادی غیرقانونی هستند، شناخته شده است. برای مثال، در حقوق انگلستان، اصل ضرورت به قضات اجازه می‌دهد تا در شرایط اضطراری، تصمیماتی بگیرند که ممکن است در شرایط عادی مغایر با قوانین باشند (Hallaq, 2009). مشابه این، در حقوق بین‌الملل نیز اصولی نظیر "اصل تناسب" و "اصل کمترین آسیب" وجود دارند که با اهداف و مفاهیم قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" همخوانی دارند. با این حال، تفاوت کلیدی این است که در فقه اسلامی، تصمیمات مبتنی بر این قاعده باید همواره در چارچوب مقاصد شریعت باشند و حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال را به‌عنوان اصول اساسی در نظر بگیرند (Kamali, 2003).

یکی از نمونه‌های تاریخی استفاده از قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" در مدیریت بحران‌های بهداشتی، تصمیمات اتخاذشده در دوران طاعون و وبا در قرون وسطی است. در این دوره‌ها، فقها و حاکمان اسلامی از این قاعده برای اعمال محدودیت‌های اجتماعی و بهداشتی استفاده کردند. به‌عنوان مثال، در دوره خلافت عباسی، به دلیل شیوع طاعون در بغداد، فقها با تعطیلی موقت مساجد و محدودیت‌های دیگر موافقت کردند، زیرا

نشان‌دهنده این است که قاعده مذکور می‌تواند به حفظ توازن میان ارزش‌های دینی و الزامات عملی کمک کند.

با این حال، این قاعده نیز محدودیت‌ها و چالش‌های خاص خود را دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، تعریف دقیق شرایط "ضرورت" است. در حالی که در فقه اسلامی تعاریفی برای ضرورت ارائه شده است، در بسیاری از موارد، تفسیرهای متفاوتی از آن وجود دارد که می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های متفاوت و گاه متناقض شود (Ibn Qudamah, 2004). برای مثال، برخی فقها ضرورت را تنها در شرایطی که جان افراد در خطر است مجاز می‌دانند، در حالی که برخی دیگر معتقدند که این قاعده می‌تواند در مواردی نظیر حفظ منافع اقتصادی یا اجتماعی نیز اعمال شود (Hallaq, 2009). این اختلافات ممکن است در مواجهه با بحران‌های پیچیده و چندوجهی بهداشتی، چالش‌برانگیز شوند.

علاوه بر این، اجرای این قاعده در سطح عملی نیز ممکن است با مشکلاتی مواجه شود. یکی از این مشکلات، عدم تطابق دیدگاه‌های فقهی با قوانین مدنی و نظام‌های حقوقی مدرن است. در حالی که قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" در بسیاری از کشورهای اسلامی به‌عنوان یک چارچوب فقهی پذیرفته شده است، اما در کشورهای سکولار، اصول مشابهی مانند "ضرورت" یا "تناسب" اغلب بدون در نظر گرفتن ابعاد دینی مورد استفاده قرار می‌گیرند (Weiss, 2002). این اختلافات می‌تواند در همکاری‌های بین‌المللی در زمینه مدیریت بحران‌های بهداشتی، موانعی ایجاد کنند.

چالش دیگر، سوءاستفاده احتمالی از این قاعده است. از آنجا که قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" دارای انعطاف‌پذیری بالایی است، ممکن است در برخی موارد، بهانه‌ای برای تخطی از اصول اساسی شریعت باشد. به‌عنوان مثال، در دوران بحران‌های بهداشتی، ممکن است برخی تصمیم‌گیرندگان بدون داشتن ضرورت واقعی،

حقوق بین‌الملل و نظام‌های سکولار نیز مفاهیم مشابهی دارد. با این حال، تفاوت‌های تفسیری و کاربردی در این نظام‌ها می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های عملی داشته باشند. در شرایط معاصر، استفاده از این قاعده در بحران‌های بهداشتی جهانی می‌تواند به ارائه راهکارهای جامع‌تر و مؤثرتر کمک کند، به‌ویژه زمانی که نیاز به تعادل میان ارزش‌های اخلاقی و الزامات عملی وجود دارد.

بحث

قاعده "الضرورات تبيح المحظورات" یکی از اصول اساسی فقه اسلامی است که در مواجهه با بحران‌های بهداشتی کاربرد گسترده‌ای دارد. یکی از نقاط قوت این قاعده، انعطاف‌پذیری و قابلیت انطباق آن با شرایط مختلف است. این قاعده به‌ویژه در شرایط اضطراری، نظیر بحران‌های بهداشتی جهانی، به سیاست‌گذاران، فقها و افراد این امکان را می‌دهد که برای حفاظت از جان انسان‌ها و مصلحت عمومی، تصمیماتی اتخاذ کنند که ممکن است در شرایط عادی غیرقابل قبول باشند. در این راستا، تاکید قرآن و سنت بر رفع مشقت و حفظ مصلحت عمومی، زمینه را برای اعمال این قاعده فراهم کرده است (Al-Zuhayli, 2006). برای مثال، در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، استفاده از واکسن‌هایی که ممکن است اجزای آن‌ها در شرایط عادی ممنوع تلقی شوند، با استناد به این قاعده در بسیاری از کشورهای اسلامی توجیه شد (Qaradawi, 1995).

یکی دیگر از نقاط قوت این قاعده، رویکرد جامع آن به مسائل انسانی است. این قاعده نه تنها به جنبه‌های فردی، بلکه به منافع جمعی نیز توجه دارد و تصمیم‌گیری بر اساس آن بر مبنای اولویت‌دهی به نیازهای ضروری جامعه انجام می‌شود (Kamali, 2003). این ویژگی به‌ویژه در شرایط بحرانی که جان انسان‌ها در معرض خطر قرار دارد، بسیار حائز اهمیت است. برای مثال، تعطیلی موقت مراسم جمعی مذهبی در دوران بحران‌های بهداشتی

نتیجه‌گیری

قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" یکی از اصول بنیادین و کلیدی فقه اسلامی است که به‌ویژه در شرایط بحرانی و استثنایی، انعطاف‌پذیری و جامعیت نظام شریعت را به نمایش می‌گذارد. این قاعده، با ریشه‌ای عمیق در قرآن، سنت و اجماع فقها، راهکاری عملی و نظری برای مواجهه با چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی ارائه می‌دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که قاعده مذکور نه تنها در حل مسائل فردی، بلکه در مدیریت بحران‌های کلان نظیر پاندمی‌ها، جنگ‌ها و حوادث طبیعی نیز نقشی حیاتی ایفا می‌کند (Al-Zuhayli, 2006). انعطاف‌پذیری این قاعده به‌گونه‌ای است که در تمامی مذاهب اسلامی، با وجود تفاوت‌های تفسیری، به‌عنوان ابزاری کارآمد برای رفع ضرر و حفظ مصلحت عمومی شناخته شده است.

یکی از سوالات اساسی تحقیق، نحوه به‌کارگیری قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" در بحران‌های بهداشتی و شرایط اضطراری بود. نتایج بررسی‌ها نشان داد که این قاعده با توجه به تعاریف مشخص از ضرورت و محذور، می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های کلان بهداشتی مورد استفاده قرار گیرد. به‌عنوان مثال، در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، استفاده از این قاعده به سیاست‌گذاران اجازه داد که محدودیت‌های اجتماعی، الزامات بهداشتی و حتی استفاده از واکسن‌هایی که در شرایط عادی ممکن بود محل تردید باشند، توجیه کنند (Kamali, 2003). این قاعده توانست تعادل میان ارزش‌های دینی و نیازهای عملی را در شرایط بحرانی برقرار کند.

یکی دیگر از سوالات مطرح‌شده در این تحقیق، تفاوت تفسیری میان مذاهب اسلامی در استفاده از این قاعده بود. یافته‌ها نشان داد که در حالی که اصول اساسی این قاعده در میان مذاهب اسلامی مشترک است، تفاوت‌هایی در تعریف ضرورت و محدودیت‌های اعمال آن وجود دارد. فقهای اهل سنت معمولاً دیدگاه گسترده‌تری

از این قاعده برای توجیه اقدامات غیرضروری استفاده کنند (Rahman, 1982). این موضوع می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی نسبت به نظام فقهی و حقوقی منجر شود.

برای استفاده بهتر از این قاعده در آینده، چند پیشنهاد اساسی مطرح می‌شود. نخست، نیاز است که تعاریف دقیق‌تر و جامع‌تری از مفهوم "ضرورت" ارائه شود. این تعاریف باید به‌گونه‌ای باشد که در مواجهه با شرایط مختلف، قابل اجرا و تفسیر باشند و از سوءاستفاده احتمالی جلوگیری کنند. دوم، آموزش و توانمندسازی فقها و سیاست‌گذاران برای درک عمیق‌تر این قاعده و کاربردهای آن بسیار حیاتی است. این آموزش‌ها می‌توانند شامل بررسی نمونه‌های عملی از استفاده موفق این قاعده در گذشته و تحلیل مواردی باشند که در آن‌ها، اجرای این قاعده با چالش مواجه شده است (Nyazee, 2000).

پیشنهاد دیگر، تدوین چارچوب‌های هماهنگ میان فقهی و بین‌المللی برای اعمال این قاعده در بحران‌های بهداشتی است. این چارچوب‌ها می‌توانند به کاهش اختلافات تفسیری میان مذاهب مختلف اسلامی و تسهیل همکاری با نظام‌های حقوقی بین‌المللی کمک کنند. به‌عنوان مثال، ایجاد کمیته‌های مشترک فقهی و حقوقی برای بررسی مسائل مربوط به بحران‌های بهداشتی می‌تواند راهگشا باشد (Hallaq, 2009). چنین رویکردی می‌تواند زمینه را برای همگرایی بیشتر میان دیدگاه‌های اسلامی و سکولار فراهم کند.

در نهایت، قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" به‌عنوان یکی از اصول انعطاف‌پذیر فقه اسلامی، ظرفیت بالایی برای پاسخگویی به بحران‌های بهداشتی جهانی دارد. با این حال، برای استفاده بهینه از این قاعده، نیاز به بازنگری و تطبیق آن با نیازهای معاصر است. این بازنگری‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن حفظ اصول اساسی شریعت، امکان مواجهه با چالش‌های جدید و متغیر را فراهم کند. به این ترتیب، این قاعده می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای مدیریت بحران‌های پیچیده بهداشتی به کار گرفته شود.

حقوقی مختلف در مواجهه با بحران‌های جهانی است (Weiss, 2002). با این حال، تفاوت‌های مفهومی نیز وجود دارند. برای مثال، در حالی که نظام‌های سکولار معمولاً بر مبنای منافع عملی تصمیم‌گیری می‌کنند، قاعده مذکور علاوه بر مصلحت عملی، ابعاد اخلاقی و معنوی را نیز مدنظر قرار می‌دهد (Hallaq, 2009). این ویژگی می‌تواند به ارائه راهکارهای جامع‌تر و عادلانه‌تر در مدیریت بحران‌ها کمک کند.

نتیجه‌گیری این تحقیق نشان می‌دهد که قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" به‌عنوان یک ابزار نظری و عملی، توانایی‌های بی‌نظیری برای مدیریت بحران‌های معاصر ارائه می‌دهد. با این حال، برای استفاده بهینه از این قاعده، نیاز به تبیین دقیق‌تر شرایط و محدودیت‌های آن وجود دارد. همچنین، تلاش برای کاهش اختلافات تفسیری میان مذاهب اسلامی و ایجاد چارچوب‌های هماهنگ برای اجرای این قاعده در سطح بین‌المللی می‌تواند به بهبود کاربرد آن کمک کند. در نهایت، این قاعده نه تنها نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری شریعت اسلامی است، بلکه می‌تواند الگویی برای نظام‌های حقوقی دیگر در مواجهه با چالش‌های معاصر باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The principle of "*al-Darurat Tubih al-Mahdhurat*", often translated as "necessities permit the prohibited," is a foundational concept in Islamic jurisprudence. This rule provides the flexibility to permit actions that would typically be considered unlawful under normal circumstances when facing critical situations or urgent needs (Kamali, 2003). Historically, this principle has been applied to situations that involve the preservation of life, public welfare, or the avoidance of harm,

نسبت به مفهوم ضرورت دارند و در موارد شک نیز اجازه اجرای این قاعده را می‌دهند، در حالی که فقهای شیعه بر ضرورت قطعی و محدودیت اعمال تأکید دارند (Ibn Qudamah, 2004). این تفاوت‌های تفسیری می‌تواند در تدوین سیاست‌های بهداشتی و اجتماعی، به‌ویژه در جوامع چندمذهبی، تأثیرگذار باشند.

اهمیت عملی و نظری این قاعده در مدیریت بحران‌های بهداشتی غیرقابل انکار است. از منظر عملی، این قاعده به تصمیم‌گیرندگان این امکان را می‌دهد که در شرایط بحرانی، سیاست‌ها و اقداماتی اتخاذ کنند که منافع عمومی را حفظ کرده و از ضررهای جدی جلوگیری کند (Rahman, 1982). به‌عنوان مثال، تعطیلی موقت عبادات جمعی، محدودیت‌های سفر، و الزام به واکسیناسیون از جمله مواردی هستند که با استناد به این قاعده قابل اجرا هستند. از منظر نظری، این قاعده نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری شریعت اسلامی و توانایی آن در پاسخگویی به نیازهای متغیر زمانه است. این ویژگی سبب شده است که این قاعده به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی برای تعامل میان ارزش‌های سنتی و نیازهای مدرن شناخته شود.

یکی دیگر از یافته‌های تحقیق، شباهت‌های این قاعده با اصول حقوقی بین‌المللی و سکولار است. در حالی که قاعده "الضرورات تبیح المحظورات" ریشه در شریعت اسلامی دارد، اصول مشابهی نظیر اصل "ضرورت" در نظام‌های حقوقی سکولار نیز وجود دارد. این شباهت‌ها نشان‌دهنده قابلیت تعامل و همگرایی میان نظام‌های

allowing the relaxation of certain legal prohibitions when necessity dictates. This abstract explores the significance of this principle in addressing global health crises, where traditional boundaries of law may need to be stretched in the face of a larger humanitarian need. Specifically, the article investigates how *al-Darurat Tubih al-Mahdhurat* has been used in response to global health emergencies, such as pandemics, and its relationship with both Islamic legal traditions and modern international law.

The importance of *al-Darurat Tubih al-Mahdhurat* becomes especially evident in the context of public health crises like the COVID-19 pandemic, where the need for urgent public health measures often conflicts with usual legal norms and religious obligations. Islamic law, with its rigid legal structure, can face challenges when swift and radical interventions, such as travel bans, quarantine protocols, or the temporary suspension of religious practices, are necessary. However, this principle allows for the suspension of certain prohibitions when the greater good, such as saving lives and protecting public health, is at stake (Hallaq, 2009). The application of this principle in response to crises, therefore, provides a dynamic mechanism that balances traditional religious teachings with the practical demands of modern public health interventions.

One of the central goals of this article is to examine the theoretical and practical applications of *al-Darurat Tubih al-Mahdhurat* in the context of global health crises. Through an in-depth analysis of the legal and jurisprudential foundations of the principle, this study demonstrates that the rule is deeply embedded in the Islamic legal tradition. Jurists across different Islamic schools of thought agree on the principle's relevance but differ in its precise application (Al-Zuhayli, 2006). For example, the Hanbali school tends to focus more narrowly on the necessity of immediate harm prevention, while the Hanafi school may extend its interpretation to a broader range of circumstances. This article highlights how these differences influence the application of the rule in real-world health crises, providing insight into the flexibility and limitations of Islamic jurisprudence in modern emergencies. The second critical aspect explored in this study is the comparative analysis between Islamic legal traditions and secular or international legal frameworks. While the

principle of necessity exists in various legal systems around the world, it takes a distinctly religious form within Islamic law. This study compares *al-Darurat Tubih al-Mahdhurat* with similar legal doctrines in secular law and international conventions, such as the concept of *state of emergency* in Western legal systems or the allowance for temporary exceptions in international human rights law (Weiss, 2002). For instance, international law often permits temporary suspension of rights during emergencies, such as the right to freedom of movement or assembly, in the interests of public health or security. Islamic jurisprudence shares a similar rationale but is informed by religious and ethical considerations, offering a different conceptual framework for balancing public welfare with individual rights (Ibn Qudamah, 2004).

In practice, the application of *al-Darurat Tubih al-Mahdhurat* in contemporary health crises, particularly in the face of pandemics like COVID-19, has proven to be both a source of ethical guidance and a practical tool for policymakers. During the early stages of the pandemic, Islamic jurists and governments in Muslim-majority countries turned to this principle to justify the suspension of religious gatherings, including prayers in mosques, as well as the imposition of travel restrictions and quarantines. These actions were based on the understanding that the preservation of life and public health far outweighed the traditional prohibition against suspending religious rituals (Kamali, 2003). Similarly, this principle has been invoked to justify the emergency use of vaccines, even in cases where the vaccines had not yet completed their full approval process, aligning with the broader international norms surrounding the fast-tracking of medical interventions during emergencies.

The study also examines the challenges and limitations inherent in applying *al-Darurat Tubih al-Mahdhurat* within both Islamic and

secular legal systems. One significant challenge is the potential for overuse or misapplication of the principle, which could lead to the unjustified suspension of fundamental rights or freedoms. For example, during a health crisis, the indefinite suspension of rights or practices, such as religious observances or personal freedoms, could lead to prolonged societal harm. Jurisprudential debates within Islamic law, as well as critiques from scholars in both the religious and secular spheres, suggest that while the principle can be used to justify temporary exceptions, these must be based on well-founded, clear evidence of necessity and proportionality (Rahman, 1982). Without such safeguards, the application of *al-Darurat Tubih al-Mahdhurat* could result in authoritarianism or the erosion of basic rights, particularly in contexts where political motivations or public health interests are conflated.

Finally, this article concludes with recommendations for the future use of *al-Darurat Tubih al-Mahdhurat* in both Islamic and global legal contexts. First, there is a need for more detailed jurisprudential guidelines to help scholars, policymakers, and legal authorities apply the principle more consistently and ethically in health emergencies. This could include clearer definitions of "necessity" and "harm," as well as enhanced transparency in decision-making processes. Second, as Islamic law continues to interact with international legal frameworks, there should be more dialogue and collaboration between scholars of Islamic law and experts in international law. This collaboration could foster mutual understanding and ensure that the application of *al-Darurat Tubih al-Mahdhurat* aligns with both religious principles and the practical needs of modern legal systems. Lastly, as global health crises continue to evolve, the principle may need to be reinterpreted to meet

new challenges, such as the rise of global environmental threats and the increasing complexity of transnational health policy.

References

- Al-Zuhayli, W. (2006). *Islamic Jurisprudence and Its Proofs* (Vol. 1-2). Damascus: Dar Al-Fikr.
- Kamali, M. H. (2003). *Principles of Islamic Jurisprudence* (3rd ed.). Cambridge: Islamic Texts Society.
- Nyazee, I. A. K. (2000). *Theories of Islamic Law: The Methodology of Ijtihad*. Islamabad: International Institute of Islamic Thought.
- Ibn Qudamah, M. A. (2004). *Al-Mughni*. Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyah.
- Al-Ghazali, A. H. (1997). *Al-Mustasfa min 'Ilm al-Usul*. Cairo: Al-Maktabah Al-Tawfiqiyyah.
- Qaradawi, Y. (1995). *The Lawful and the Prohibited in Islam*. Indianapolis: American Trust Publications.
- Weiss, B. G. (2002). *The Spirit of Islamic Law*. Athens: University of Georgia Press.
- Abu Zahra, M. (1997). *Usul al-Fiqh*. Cairo: Dar Al-Fikr Al-Arabi.
- Rahman, F. (1982). *Islam and Modernity: Transformation of an Intellectual Tradition*. Chicago: University of Chicago Press.
- Hallaq, W. B. (2009). *An Introduction to Islamic Law*. Cambridge: Cambridge University Press.